

ششتري رفتارهای غیرمعارف و ملامت‌گرایانه دیگری هم سر زده‌است (← ادامه مقاله).

درباره تصوف ششتري آگاهیهای بیشتری داریم. او افزون‌بر خرقة‌ای که از ابن‌سراقه گرفت و به آن واسطه به طریقت سه‌رورديه* پیوند یافت، در آغاز جوانی به ابومدین تلمسانی* علاقه‌مند شد، اما در ملاقاتش با ابن‌سبعین* در شهر بجایه در الجزایر، ابن‌سبعین تصمیم او را برای پیوستن به تلمسانی نپسندید و با گفتن جملاتی خودستایانه تصمیم ششتري را تغییر داد (← مناوی، ج ۲، ص ۴۴۱؛ تنبکتي، ص ۳۲۲؛ نیز ← غنیمی تفتازانی، ص ۱۷۱-۱۷۲). البته، اگر ابومدین تلمسانی بنا به روایت مَقْرئ (ج ۷، ص ۱۴۲) در ۵۹۴ از دنیا رفته باشد، احتمالاً منظور از پیوستن به تلمسانی، دیدار او نبوده بلکه پیوستن به طریقت او بوده‌است.

درباره آغاز دوران شاگردی ششتري نزد ابن‌سبعین گفته شده که ابن‌سبعین به سبب وجود غرور بزرگ‌زادگی در ششتري به او دستور داد همه اموالش را بفروشد و لباس کهنه‌ای بر تن کند و در میان بازار آواز بخواند و بندیر - نوعی ساز کوبه‌ای شبیه به دف - بنوازد. به این ترتیب، غرور ششتري با گذشت سه روز از میان رفت و از آن پس رابطه‌ای بین این دو شکل گرفت که تا پایان زندگی ششتري باقی ماند (ابن‌عجیبه، ص ۴۶-۴۷). بعد از این واقعه، با آنکه سن ششتري از ابن‌سبعین بیشتر بود، به خدمت او درآمد و کتاب *بدء‌العارف* او را کتابت کرد. همچنین ششتري در اشعارش او را ستایش کرد و با اینکه بسیاری از مریدانش او را برتر از ابن‌سبعین می‌دانستند، همواره به نقص و کوچکی خویش در برابر او اعتراف می‌کرد و خود را بنده ابن‌سبعین می‌خواند (← ششتري، ص ۲۹۱-۲۹۳، ۴۱۶؛ غبرینی، ص ۲۳۹؛ مَقْرئ، ج ۲، ص ۱۸۵؛ غنیمی تفتازانی، ص ۱۰۴؛ درباره ضبط نام این کتاب به نام *البدء‌العارف* ← بغدادی، هدیه، ج ۱، ستون ۵۰۳). اما گزارش ابن‌خطیب (ج ۴، ص ۲۰۶) و مَقْرئ (همانجا) مبنی بر اینکه ششتري بعد از مرگ ابن‌سبعین ریاست طریقت او را برعهده گرفت درست نیست، زیرا ششتري هشت ماه پیش از ابن‌سبعین درگذشت (← ابن‌حجر عسقلانی، ج ۴، ص ۲۴۰).

ششتري بسیار سفر کرد، به‌ویژه به شهرهای شمال آفریقا، از جمله فاس در مراکش (بدرالدین قُرَافی، ص ۱۶۶؛ ابن‌قاضی، قسم ۲، ص ۴۸۸) و قابس در تونس؛ هرچند شاید نام قابس صورت تحریف‌شده نام شهر فاس باشد (← غبرینی، ص ۲۴۰ و پانویس ۱). او مدتی نیز در مصر اقامت کرد و احتمالاً در آنجا با طریقت شاذلیه آشنا شد (ابن‌خطیب، همانجا؛ نیز ← یوسف

تَوَی، المجموع: شرح المَهْدَب، بیروت: دارالفکر، [بی‌تا]؛ محمدبن خلف وَکیع، اخبار القضاة، بیروت: عالم‌الکتب، [بی‌تا]؛ یاقوت‌بن عبدالله یاقوت حَتَوی، معجم الادباء، بیروت ۱۹۸۰/۱۴۰۰؛ یحیی‌بن معین، تاریخ یحیی‌بن معین، روایة عباس‌بن محمدبن حاتم دوری، چاپ عبدالله احمد حسن، بیروت [بی‌تا]؛ یعقوبی، تاریخ.

/ سیدرضا هاشمی /

شُستَر / شُستَر ← شو شُستَر

شش پیر ← زهره، رود

شُستَری، ابوالحسن، شاعر و صوفی اندلسی قرن هفتم. ابوالحسن علی‌بن عبداللّه تُمیری شُستَری در شُستَر از روستاهای پیرامون منطقه آش (چارچس^۱ کنونی) نزدیک به گوادیکس^۲ در استان غرناطه* اسپانیا و احتمالاً در ۶۱۰ به دنیا آمد (← ابن‌خطیب، ج ۴، ص ۲۰۵ و پانویس ۳؛ مناوی، ج ۲، ص ۳۵۷؛ زِرْکَلی، ج ۴، ص ۳۰۵). درباره خاندان او بسیار اندک می‌دانیم. برخی منابع گفته‌اند که پدر ششتري امیر بود (← تُسَبُّکَتی، ص ۳۲۱؛ ابن‌عجیبه، ص ۴۶). بنابراین شاید در خاندانی به دنیا آمده باشد که قدرت محلی داشتند.

از آنجا که نام ششتري در سرگذشتنامه‌های پیروان مذهب مالکی نظیر *جدوة‌الاقباص* تألیف ابن‌قاضی (قسم ۲، ص ۴۸۷) و توشیح‌الدلیلیج تألیف بدرالدین قُرَافی (ص ۱۶۶) در شمار فقیهان آمده‌است، می‌توان گفت که او فقه مالکی را در جوانی آموخته‌است؛ هرچند، از استادان ششتري در فقه اطلاعی نداریم. او مدتی شاگرد قاضی ابن‌سراقه انصاری شاطبی (متوفی ۶۶۲) نیز بود و از او خرقة گرفت و با توجه به اینکه ابن‌سراقه به علم حدیث هم اشتغال داشت شاید ششتري از او حدیث هم شنیده باشد (← ابن‌خطیب، ج ۴، ص ۲۰۶؛ مَقْرئ، ج ۲، ص ۱۸۵). بعضی منابع گفته‌اند که ششتري وزیر بوده‌است، که احتمالاً اشاره‌ای است به اینکه سلطان مغرب به دلیل اشتها ششتري به زهد منصب قضا را به وی پیشنهاد کرد، اما او پاسخ را به فردا افکند و ریش و سبیل و ابروهایش را تراشید و لباس زرد فرسوده‌ای بر تن کرد و بر الاغی سوار شد و سلطان با دیدن این شمایل ناخوشایند پیشنهادش را پس گرفت (← مناوی؛ ابن‌عجیبه، همانجاها؛ قس یوسف زیدان، ص ۶۶، که گفته محل وقوع این ماجرا شهر طرابلس بوده‌است). این رفتار ششتري به سنت چارضرب* در طریقت قلندریه* شباهت دارد، که در شمال آفریقا، از جمله در مصر، وجود داشته‌است. به‌جز این، از

1. Charches

2. Guadix